بررسی چالش‌های فوری صنعت نساجی و پوشاک ایران و ارائه راهکارهای عملیاتی



مهشید کلانتری
پژوهشگر موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

صنعت نساجی و پوشاک ایران، به عنوان یکی از قدیمی‌ترین و گسترده‌ترین زنجیره‌های ارزش صنعتی کشور، همواره نقشی کلیدی در ایجاد اشتغال، تأمین نیازهای اساسی بازار داخلی و ارزآوری ایفا کرده است. این صنعت با پشتوانه تاریخی و نیروی کار ماهر خود، ظرفیت تبدیل شدن به یک قطب صادراتی منطقه‌ای را دارد. با این حال، از ابتدای سال ۱۴۰۴، نشانه‌های یک بحران عمیق و فراگیر در تمام حلقه‌های این زنجیره (از ریسندگی و بافندگی گرفته تا رنگرزی و تولید پوشاک) نمایان شده است. نشست تخصصی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی در بررسی این چالش‌ها در مورخ ۱۴ مردادماه ۱۴۰۴ برگزار شد که پنج محور اصلی نشست را «بحران نیروی انسانی و پیامدهای خروج نیروی کار ماهر»، «تنگنای مالی و نقدینگی؛ از تأمین مواد اولیه تا وصول مطالبات» و «فشار مضاعف هزینه‌های تولید؛ از مواد اولیه تا انرژی»، «اختلالات انرژی و فرسودگی تجهیزات» و «کاهش توان رقابت کیفی و کوچک‌شدن بازار فروش» تشکیل می‌دادند. نشست با مشارکت فعالان کلیدی صنعت نساجی شامل جمعی از مدیران واحدهای بزرگ ریسندگی، بافندگی و رنگرزی، فعالان حوزه تأمین مواد اولیه، کارشناسان بازار و صاحبان برندهای شاخص پوشاک کشور برگزار شد و سخنرانان آن را «محمد ولدخانی»، «رئیس اتحادیه صنف بنکداران و طاقه‌فروشان پارچه تهران»، «محمدحسین رحیمی»، رئیس هیات مدیره شرکت پیمان‌تجارت‌ارجمند، «حبیب‌اله هنرمندپور»، مدیرعامل شرکت بی‌بافت‌گسترجهان، «علی جان‌بزرگی»، مدیرعامل شرکت طیف‌نگارتابان، «ابوالقاسم پیدایش‌فرد»، مدیرعامل شرکت پایابافت و «بهنام غلامیان»، مدیر مارکتینگ کارخانه ایریس تشکیل می‌دادند.

در این نشست ضمن تحلیل ابعاد بحران چندلایه صنعت نساجی، با مشارکت موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، یک بسته سیاستی پیشنهادی در دو سطح کوتاه‌مدت (اضطراری) و میان‌مدت (ساختاری) ارائه و راهکارهایی در زمینه ایجاد کمیته ملی تسهیل تجاری، تزریق نقدینگی هدفمند، بازنگری در قیمت‌گذاری مواد پایه پلیمری، نوسازی ناوگان ماشین‌آلات و تدوین برنامه جامع مدیریت نیروی انسانی عرضه و هشدار داده شد تأخیر در اجرای این راهکارها، نه تنها به تشدید بیکاری (بیش از ۴۵۰ هزار شغل مستقیم) و تعطیلی واحدهای تولیدی منجر خواهد شد، بلکه وابستگی کشور به واردات را به شکل غیرقابل بازگشتی افزایش می‌دهد. آمارهای ارائه‌شده نشان داد که زنجیره ارزش این صنعت در ایران بیش از ۴۵۰ هزار شغل مستقیم و نزدیک به یک میلیون شغل غیرمستقیم ایجاد کرده و حدود ۱.۶ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود

اختصاص داده است. این ارقام به خوبی نشان می‌دهد که تداوم بحران‌های موجود می‌تواند آثار جبران‌ناپذیری بر اقتصاد کلان و اشتغال کشور برجای بگذارد.

محور اول: بحران نیروی انسانی و پیامدهای خروج نیروی کار ماهر

یکی از فوری‌ترین و حساسترین چالش‌های مطرح‌شده، بحران نیروی انسانی بود. بهنام غلامیان، مدیر بازاریابی کارخانه ایریس، با اشاره به تغییرات اخیر در سیاست‌های اقامتی، هشدار داد که بیش از ۴۰ درصد نیروی انسانی واحدهای ریسندگی و بافندگی، به ویژه در بخش‌های عملیاتی، نظافت ماشین‌آلات و حتی اپراتوری، از کارگران ماهر افغانستانی تأمین می‌شود. محدودیت‌های تازه در صدور مجوز اقامت و کار، منجر به خروج ناگهانی و بدون برنامه این نیروها شده و فشار سنگینی بر ظرفیت تولید وارد کرده است. در این زمینه، جناب آقای «حبیب‌اله هنرمندپور» هشدار داد که این روند می‌تواند ظرفیت تولید واحدهای بزرگ را تا ۳۰ درصد کاهش دهد و تاکید نمود که آموزش و جایگزینی نیروی بومی نه تنها زمان‌بر (حداقل ۶ تا ۱۲ ماه) و پرهزینه است، بلکه در کوتاه‌مدت امکان جبران افت بهره‌وری ناشی از تجربه نیروی قبلی وجود ندارد و این بحران به ویژه در شهرهای صنعتی مانند ورامین، تهران، اسلامشهر، ساوه، قم و اصفهان به وضوح قابل مشاهده است.

محور دوم: تنگنای مالی و نقدینگی؛ از تأمین مواد اولیه تا وصول مطالبات

بحران نقدینگی به عنوان یک مسئله مزمن، در سال ۱۴۰۴ به اوج خود رسیده است. در خصوص محور دوم نشست، جناب آقای «علیرضا رحیمی»، به تشریح ابعاد این بحران پرداخت. وی بیان کرد که هزینه تأمین مواد اولیه در ماه‌های اخیر بیش از دو برابر شده است. در این میان، سختگیری بانک‌ها در ارائه تسهیلات، نرخ‌های سود بالا و فرآیند طولانی و پیچیده اعتبارات اسنادی، تأمین به‌موقع مواد اولیه را برای تولیدکنندگان غیرممکن ساخته است. از نظر ایشان افزایش حجم چک‌های برگشتی در زنجیره تأمین، نشان‌دهنده یک بحران فراگیر مالی است که کل شبکه تولید و توزیع را تحت فشار قرار داده و انباشت مطالبات کارخانه‌های ریسندگی از مشتریان پایین‌دست، همراه با کمبود سرمایه در گردش، به توقف موقت فعالیت یا کاهش ظرفیت تولید در تعدادی از واحدها منجر شده است.

محور سوم: فشار مضاعف هزینه‌های تولید؛ از مواد اولیه تا انرژی

در خصوص این محور یافته‌های نشست نشان داد که زنجیره تأمین صنعت تحت شدیدترین فشارهای قیمتی ممکن قرار دارد و در این زمینه به ویژه «جهش قیمت الیاف طبیعی و پنبه»، «غیررقابتی بودن مواد پایه پلیمری» و «بحران در زنجیره تامین رنگ و مواد شیمیایی» قابل توجه است. در خصوص جهش قیمت الیاف طبیعی و پنبه، بر اساس داده‌های ارائه‌شده، تولید پنبه داخلی در سال ۱۴۰۴ با کاهش ۱۵ تا ۲۰ درصدی مواجه شده و وابستگی به واردات به حدود ۶۰ درصد رسیده است. مشکلات جدی در تأمین ارز، ثبت سفارش و ترخیص کالا، به ویژه در دوره جنگ و پس از آن، موجب تأخیرهای مکرر و افزایش چشمگیر هزینه‌ها شده است. نتیجه مستقیم این وضعیت، رشد ۱۹۰ درصدی قیمت نخ پنبه طی بازه دی‌ماه ۱۴۰۳ تا خردادماه ۱۴۰۴ بوده است. در زمینه غیررقابتی بودن مواد پایه پلیمری، در بخش نخ‌های مصنوعی، مشکل اصلی به قیمت‌گذاری مواد پایه پلیمری بازمی‌گردد. به گزارش انجمن نساجی که در نشست مطرح شد، قیمت مواد پایه پلیمری داخلی بالاتر از نرخ جهانی است. عرضه نامنظم گریدهای مناسب نخ‌ریسی، وابستگی شدید قیمت‌ها به نرخ ارز و افزایش پریمیوم معاملات در بورس کالا، هزینه تمام‌شده تولید الیاف مصنوعی را تا دو برابر افزایش داده است. همچنین در زمینه بحران در زنجیره تأمین رنگ و مواد شیمیایی عنوان شد که بیش از ۸۰ درصد رنگ‌های مصرفی صنعت وارداتی است و تأمین آن‌ها در انحصار تعداد محدودی شرکت (حدود ۷ تا ۱۰ شرکت اصلی) قرار دارد. افزایش قیمت رنگ‌های استاندارد بین ۹۰ تا ۱۲۰ درصد نسبت به سال قبل، تولیدکنندگان را ناگزیر به استفاده از رنگ‌های غیراستاندارد کرده است. این موضوع نه تنها کیفیت محصول نهایی را کاهش داده، بلکه باعث افزایش جرم‌گرفتگی، خوردگی قطعات پمپ، افت راندمان ماشین‌آلات (۱۵ تا ۲۰ درصد) و کاهش عمر مفید تجهیزات خطوط رنگرزی تا یک‌سوم شده است.

محور چهارم: اختلالات انرژی و فرسودگی تجهیزات

جناب آقای «محمد ولدخانی»، در خصوص این محور با اشاره به مشکل تأمین برق و خاموشی‌های مکرر، تأکید نمود که قطعی برق در ساعات اوج مصرف، نه تنها باعث توقف ناگهانی خطوط تولید می‌شود، بلکه به ماشین‌آلات حساس

و دقیق آسیب‌های جدی وارد کرده، نرخ ضایعات مواد اولیه گران‌قیمت را افزایش می‌دهد و زمان تحویل سفارش‌ها را مختل می‌کند. از نظر ایشان در کنار بحران انرژی، معضل فرسودگی تجهیزات در صنعت نساجی کشور به شکلی است که بیش از ۶۰ درصد ماشین‌آلات این صنعت امروز عمری بالای ۲۰ سال دارند و این امر موجب افزایش استهلاک، کاهش راندمان و افت کیفیت محصولات شده، ضمن اینکه نوسانات ارزی و تحریم‌ها نیز واردات قطعات و تجهیزات جدید را با دشواری‌های مضاعف مواجه کرده است.

محور پنجم: کاهش توان رقابت کیفی و کوچک‌شدن بازار فروش

نشست به این جمع‌بندی رسید که ترکیب عواملی چون مواد اولیه بی‌کیفیت، رنگ‌های غیراستاندارد، خاموشی‌ها و فرسودگی تجهیزات، منجر به کاهش شدید توان رقابت کیفی محصولات صنعت نساجی کشور شده و هم‌زمان، کاهش قدرت خرید خانوار (افت ۲۰ تا ۳۰ درصدی تقاضا برای پوشاک نو)، هجوم نخ‌های وارداتی ارزان (به ویژه از چین) و افزایش حجم پوشاک قاچاق، بازار فروش داخلی را به شدت کوچک کرده است و لذا در حال حاضر واحدهای تولیدی نه تنها قادر به انتقال افزایش هزینه‌های خود به مصرف‌کننده نیستند، بلکه سهم بازار خود را نیز به نفع رقبای وارداتی و قاچاق از دست می‌دهند.

راهکارهای کوتاه‌مدت

نشست بر اساس تحلیل جامع داده‌های کمی و کیفی مستخرج از مباحث مطروحه و اسناد بالادستی، پنج محور اصلی به عنوان علل ریشه‌ای و تشدیدکننده بحران در سال ۱۴۰۴ شناسایی کرد که عبارت بودند از ۱- افزایش هزینه مواد اولیه: ناشی از کاهش تولید داخلی، وابستگی به واردات، قیمت‌گذاری غیررقابتی پتروشیمی‌ها و جهش قیمت ارز، ۲- کاهش اندازه فروش: به دلیل افت قدرت خرید، رکود اقتصادی و هجوم کالاهای وارداتی و قاچاق، ۳- اختلالات انرژی و قطعی برق: تخریب‌کننده فرآیندهای تولید پیوسته و افزایش‌دهنده هزینه‌های سربار، ۴- بحران نیروی کار: خروج نیروی کار ماهر و عدم امکان جایگزینی کوتاه‌مدت و ۵- افت توان رقابت کیفی: نتیجه اجتناب‌ناپذیر استفاده از نهاده‌های بی‌کیفیت و تجهیزات فرسوده. در این راستا با عنایت به فوریت و عمق بحران، سند پیشنهادی جمع‌بندی نشست دو دسته راهکارهای پیشنهادی در بازه زمانی کوتاه‌مدت و میان‌مدت را پیش روی سیاست‌گذار قرار داد.

سیاست چهاگانه: ۱-تشکیل کمیته ملی تسهیل تجاری با هدف رفع موانع فوری تأمین ارز، ثبت سفارش و ترخیص مواد اولیه و رنگ‌های وارداتی (این کمیته باید با اختیارات ویژه و به صورت هفتگی مشکلات را پیگیری کند)، ۲- ایجاد خط اعتباری ویژه سرمایه در گردش و تزریق نقدینگی هدفمند از طریق بانک‌های عامل با نرخ بهره ترجیحی (۴ تا ۶ درصد) و با ضمانت‌های سهل‌تر برای واحدهای فعال، ۳- بازنگری فوری در قیمت‌گذاری مواد پایه پلیمری به منظور شفاف‌سازی و اصلاح مکانیزم کشف قیمت در بورس کالا برای جلوگیری از افزایش پریمیوم‌ها و نزدیک‌کردن قیمت‌ها به نرخ‌های جهانی و ۴- صدور مجوز موقت به‌کارگیری نیروهای ماهر خارجی با هدف حفظ ظرفیت تولید فعلی و تسهیل و تثبیت فرآیند صدور و تمدید مجوز کار برای نیروهای متخصص افغانستانی، راهکارهای فوری و کوتاه‌مدت (ضرورت اقدام در بازه ۳ تا ۶ ماهه) جمع‌بندی نشست بودند.

راهکارهای میان‌مدت و بلندمدت

همچنین ۱- تکمیل زنجیره تأمین و کاهش وابستگی، ۲- تضمین خرید محصولات استراتژیک و اجرای دقیق قانون خرید تضمینی پنبه با قیمتی جذاب برای کشاورزان، ۳- حمایت از تولید داخل مواد شیمیایی با ارائه تسهیلات و مشوق‌های مالیاتی به سرمایه‌گذاران برای تولید رنگ، مواد کمکی و پیگمنت در داخل کشور، ۴- مدیریت پایدار انرژی و نوسازی فناوری، ۵- تخصیص انرژی پایدار به صنایع اولویت‌دار و تدوین برنامه تأمین برق پایدار برای واحدهای نساجی در شیفت‌های حیاتی تولید، ۶- تدوین بسته نوسازی ماشین‌آلات به منظور ارائه تسهیلات ارزی بلندمدت (با بازپرداخت ۵ تا ۷ ساله) برای جایگزینی ماشین‌آلات فرسوده با فناوری‌های روز دنیا، ۷- ساماندهی بازار و مبارزه با قاچاق و به ویژه شفاف‌سازی مبادی ورودی با استقرار سامانه‌های هوشمند در مرزها برای مقابله مؤثر با ورود پوشاک و نخ قاچاق، ۸- حمایت از برندهای داخلی با تدوین بسته حمایتی برای توسعه بازار و برندینگ تولیدات باکیفیت داخلی، ۹- تدوین برنامه جامع مدیریت نیروی انسانی و احیای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای ایجاد دوره‌های آموزشی

هدفمند با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و صنعت نساجی برای تربیت نیروی متخصص بومی و ۱۰- بهبود نظام جبران خدمات با هدف ارائه مشوق‌های بیمه‌ای و مالیاتی به کارخانه‌هایی که بتوانند نیروی کار ماهر را حفظ و جذب کنند، راهکارهای دەگانه میان‌مدت و بلندمدت (برنامه‌ریزی برای ۱ تا ۳ سال آینده) بودند که در جمع‌بندی نشست مورد توافق کارشناسان و فعالان این صنعت قرار گرفتند.

جمع‌بندی

در حال حاضر صنعت نساجی و پوشاک کشور را در سال ۱۴۰۴ در یک نقطه عطف تاریخی قرار گرفته و مجموعه فشارهای هم‌زمان از سمت تأمین، تولید و بازار، این صنعت را به مرز شوک عمیق ساختاری رسانده است. تحلیل اظهارات فعالان در نشست نشان داد که وضعیت کنونی صرفاً یک رکود فصلی نیست، بلکه یک بحران چندلایه است که ریشه در ناترازی‌های بلندمدت و سیاست‌گذاری‌های ناهماهنگ دارد و در صورت تعلل در اجرای فوری راهکارهای پیشنهادی و عدم اتخاذ تصمیمات علمی و شجاعانه، شاهد تعطیلی گسترده واحدهای کوچک و متوسط، کاهش غیرقابل جبران ظرفیت تولید و از دست رفتن صدها هزار فرصت شغلی خواهیم بود. این روند نه تنها امنیت اقتصادی را به خطر می‌اندازد، بلکه وابستگی کشور به واردات پوشاک را به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش داده و ارزبری سنگینی را به اقتصاد ملی تحمیل می‌کند. وزارت صنعت، معدن و تجارت به عنوان متولی اصلی، باید با تشکیل یک کارگروه ویژه و با بهره‌گیری از توان تشکل‌های صنفی و کارشناسی، بررسی راهکارهای کوتاه‌مدت و بلندمدت پیشنهادی این نشست را در اسرع وقت در دستور کار قرار دهد.